

مسئولیت پرداخت صادرکننده در اسناد تجاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۶

علیرضا عالی پناه*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

حمیدرضا حبیبی**

چکیده

اسناد برواتی در اقتصاد امروزی کاربرد فراوانی دارند. صدور این اسناد یک عمل حقوقی است که اثر مستقیم آن ایجاد مسئولیت به پرداخت برای متعهد آن می‌باشد. این مسئولیت دارای اوصافی است که آن را نسبت به تعهدات مدنی متمایز نموده است. از میان این اوصاف بارزترین آن‌ها، استقلال مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری از تعهد مبنایی و در نتیجه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات می‌باشد. اثر این مسئولیت نیز «تعهد به پرداخت» است که خود دارای شرایط اعتبار و نقض آن واجد ضمانت‌اجراست. از جمله شرایط اعتبار پرداخت وجه توسط متعهد سند تجاری می‌توان به «مطالبه وجه از طرف دارنده در موعد قانونی» و «پرداخت وجه در موعد و به میزان و نوع پولی که در سند قید شده است»، اشاره نمود. الزام به پرداخت، امکان حبس و اخذ خسارت در صورت امتناع از پرداخت نیز ضمانت‌اجراهای نقض این تعهد به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

سند تجاری، صدور سند تجاری، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، تعهد به پرداخت

مقدمه

امروزه با توجه به توسعه روزافزون روابط اشخاص و افزایش حجم معاملات، کمتر کسی است که در معاملات حجیم خود از پول به عنوان ابزار پرداخت استفاده کند؛ بلکه غالباً در معاملات داخلی از سفته و چک و در معاملات بین‌المللی از برات استفاده می‌شود. حال اولین مسأله‌ای که قابل طرح می‌باشد این است که آیا صادرکننده سند تجاری [۱] با صدور سند و تسلیم آن به دارنده صرفاً یک ابزار پرداختی را به دارنده می‌دهد و یا اینکه در قبال سندی که امضاء کرده است علاوه بر تعهد مبنایی، تعهد دیگری نیز دارد؟ آنچه که به نظر می‌رسد این است که صدور سند تجاری صرفاً یک عمل مادی نیست؛ بلکه یک عمل حقوقی و موجد تعهد بر ذمه صادرکننده آن می‌باشد. دومین مسأله قابل طرح این است که مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری دارای چه اوصافی است که موجب می‌شود دارنده سند بدان اعتماد کند و آن را به جای پول بگیرد؟ مسأله سوم این است که اثر مستقیم این مسئولیت چیست؟ در پاسخ به این دو سؤال باید چنین گفت که مسئولیت مزبور واجد اوصافی است که سبب امتیاز آن نسبت به یک تعهد مدنی می‌گردد که از جمله مهمترین این اوصاف می‌توان به وصف تجریدی و در نتیجه اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات اشاره نمود. اثر این مسئولیت نیز «تعهد به پرداخت» می‌باشد. در این مقاله سعی شده است با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی، مفهوم، اوصاف این مسئولیت و در نهایت آثار ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفهوم مسئولیت به پرداخت

بحث کردن راجع به مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری، مستلزم آن است که صدور سند تجاری را یک عمل حقوقی بدانیم؛ زیرا اگر آن را صرفاً یک عمل مادی بدانیم، موجد مسئولیت نخواهد بود. بر اساس تعریف عمل حقوقی، می‌توان صدور سند تجاری را یک عمل حقوقی قلمداد کرد؛ چراکه عمل حقوقی، اعلام اراده‌ای است که به منظور ایجاد اثر حقوقی خاص انجام می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰) صادرکننده سند تجاری نیز با صدور آن، در مقام اعلام چنین اراده‌ای است. مؤید این ادعا نیز آن است که همه حقوقدانان ایران بر بطلان صدور سند تجاری که صادرکننده

آن فاقد اهلیت است، اتفاق نظر دارند. این در حالی است که وجود اهلیت تنها در اعمال حقوقی لازم بوده و مصداق پیدا می‌کند و گرنه در «اعمال مادی» بحث «اهلیت» مطرح نیست.

تعهد ناشی از سند تجاری، صرفاً یک تعهد مدنی نیست؛ بلکه تعهدی است تجاری [۲] که آثار و اوصاف خاص خود را دارد. آثار و اوصافی که یک تعهد مدنی ممکن است نداشته باشد. به عنوان مثال وصف تجریدی و یا تضامنی بودن مسئولیت مسئولان سند در صورت عدم پرداخت وجه به وسیله مسئول اصلی پرداخت، امتیازی است که یک تعهد تجاری آن را یدک می‌کشد. هم‌چنین اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات مبتنی بر رابطه مبنایی علیه دارنده با حسن نیت، دادرسی اختصاری، امکان درخواست قرار تأمین خواسته بدون تودیع خسارت احتمالی، عدم امکان درخواست تأمین دعوای واهی و دعوای اتباع بیگانه توسط خواننده دعوای مستند به سند تجاری، از دیگر امتیازات آن است. (عالی‌پناه، ۹۳-۱۳۹۴، صص ۲۰-۲۳)

۲. اوصاف (مشمول بر اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات)

فلسفه ایجاد اسناد تجاری این بود که جایگزین پول شده و ابزاری برای پرداخت گردد. تحقق این امر نیز مستلزم آن بود که تضمینات و مزایایی برای این اسناد لحاظ گردد که با اقبال عمومی مواجه گردد. لذا قانون‌گذار برای آن ویژگی‌هایی در نظر گرفته است. حقوقدانان نیز به تبیین و تشریح این اوصاف پرداخته‌اند. اما با اینکه برای تعهد تجاری اوصاف و هم‌چنین اصول متعددی بیان کرده‌اند، با یک نگاه اجمالی به این اوصاف می‌توان گفت که از میان این اوصاف در نهایت یک وصف بارزتر و مهم‌تر است: وصف استقلال تعهد تجاری از تعهد منشأ، که از این اصل یا وصف، ویژگی‌هایی چون اصل استقلال امضاها، اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات و وصف تجریدی بودن ناشی می‌شود. از آنجا که هدف از ایجاد اسناد تجاری این بود که جانشین اسکناس شوند، این هدف مستلزم آن است که بطلان نقل و انتقال‌های قبلی را در نقل و انتقال‌های بعدی مؤثر تلقی نگردد. نظریه معروف حمایت از دارنده با حسن نیت سند تجاری یا عدم قابلیت استناد به ایرادات در برابر چنین دارنده‌ای، متضمن همین معناست. (کاویانی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۲) این وصف باعث می‌شود که دارنده با اطمینان بیشتری آن را تحصیل

کند و در نتیجه موجب می‌گردد که این اسناد با سرعت و اطمینان بیشتری بین تجار رد و بدل گردد. بدین جهت سعی بر آن است که اصل مهم غیر قابل استناد بودن ایرادت که ناشی از وصف استقلال تعهد تجاری از تعهد منشأ است، مورد بررسی قرار گیرد. بر همین اساس مفهوم، مبنا و حدود این اصل تبیین خواهد شد.

۱-۲. مفهوم و مفاد اصل

در بیان مفهوم این اصل می‌توان گفت که متعهد سند تجاری در مقابل دارنده آن نمی‌تواند به ایراداتی متوسل شود که می‌توانست به آن ایرادات در مقابل انتقال‌دهنده به لحاظ معامله‌ای که به سبب آن سند تجاری صادر شده و به جریان افتاده است، استناد نماید. در نتیجه اصل عدم توجه به ایرادات در اسناد تجاری به دارنده قانونی این اسناد این امکان را می‌دهد که از ایراداتی که متعهد سند می‌توانست به استناد آن‌ها از پرداخت معاف گردد، مصون باشد.

در واقع اصل عدم توجه ایرادات مبتنی بر اصل استقلال تعهد تجاری و در نتیجه امضاهای سند و از آثار آن به شمار می‌رود. عدم تأثیر ایرادات بر مسئولیت امضاءکننده در مقابل دارنده بدون سوءنیت، ناشی از اعتبار امضاء و استقلال ذاتی سند می‌باشد. به بیان دیگر هر جا که اصل استقلال امضاها و اعتبار ذاتی سند جاری نیست، اصل عدم توجه ایرادات نیز جریان ندارد و بر عکس در مواردی که اصل استقلال امضاها و اعتبار ذاتی سند جریان دارد، اساساً اصل عدم توجه ایرادات هم جریان خواهد داشت. بنابراین هر ایرادی (مگر در موارد استثنائی) از سوی ایرادکننده مسموع نخواهد بود، چون اصل بر استقلال امضاء، قبول مسئولیت مستقل هر امضاءکننده، اعتبار ذاتی سند و عدم قبول ایرادات است. (الله‌آبادی، ۱۳۷۷، صص ۲۱ و ۲۲) البته لازم به ذکر است که این اصل، خلاف قواعد عمومی حاکم بر قراردادهای مدنی است؛ زیرا متعهد سند (مدیون) نمی‌تواند در برابر دارنده آن دفاعی کند که به روابط او و ظهرونیسان پیشین با صادرکننده ناظر باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۰، صص ۱۰۷ و ۱۰۸)

۲-۲. مبنای جعل اصل

در مورد اینکه مبنای توجیه این اصل چیست، نظریات متعددی ابراز گردیده است.

برخی مبنای آن را در اعمال حقوقی (اعم از عقد و ایقاع) می‌دانند و برخی دیگر مبنای آن را وقایع حقوقی، هم‌چون ضمان قهری (به ویژه تقصیر) دانسته‌اند، اما هیچ یک مورد پذیرش واقع نشده و نقدهای زیادی به آن‌ها وارد گردیده‌است. (نوری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶)

اما آنچه که بیشتر مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته و کمتر مورد انتقاد واقع شده «تئوری ظاهر» می‌باشد. بدین توضیح که شخص با اتکا به ظاهر و بدون آگاهی از حقیقت و بدون قصور در آگاه شدن از آن، سندی را که حاوی یک ارزش است، می‌پذیرد. حال این حقوق است که باید در میان دوراهی تحمیل مسئولیت بر امضاءکننده‌ای که در حقیقت مسؤول نیست و چه بسا تقصیری هم مرتکب نشده‌است و تحمیل زیان به دارنده سندی که به ظاهر اعتماد نموده‌است، یکی را برگزیند. توجه به مصالح اقتصادی جامعه به عنوان یک شخصیت مستقل از یکایک اعضای آن، قانون‌گذاران و هم‌چنین حقوقدانان را به انتخاب حمایت از دارنده با حسن نیت که به ظاهر سند اعتماد کرده، واداشته‌است. (برزش آبادی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸)

بنابراین در عمل حکمت اصلی این قاعده، ایجاد اعتماد نسبت به اعتبار این اسناد می‌باشد؛ زیرا اگر قرار باشد که متعهد سند بتواند به تمام ایرادهای ناشی از روابط خود با دست‌های پیشین در برابر دارنده فعلی استناد کند، دیگر هیچ اطمینانی به وصول دین باقی نخواهد ماند و تجار سعی بر آن خواهند داشت تا از پذیرفتن این‌گونه اسناد متزلزل امتناع ورزند. در نتیجه جامعه از مزایای گردش این اسناد محروم خواهد ماند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸) اما از حیث نظری به نظر می‌رسد که مبنای این قاعده به بی قید و شرط بودن تعهد تجاری بازمی‌گردد زیرا صادرکننده سند تجاری با صدور سند، تعهدی را انشاء می‌کند که مفید یا مشروط به صحت تعهد مبنایی نمی‌باشد، بلکه مستقل از تعهد مبنایی متعهد به پرداخت می‌گردد.

۲-۳. قلمرو و حدود اصل

همان‌گونه که توضیح داده شد، هدف اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات حمایت از دارنده سند تجاری است. مع ذلک این حمایت نباید تا بدان جا گسترده شود که تبدیل به یک ابزار سوءاستفاده برای اشخاص گردد و در نتیجه این اشخاص بتوانند در پناه این حمایت، آگاهانه به دیگران زیان برسانند. به بیان دیگر براین اصل استثنائاتی وارد است که حکایت از غیر مطلق بودن آن دارد. این استثناءات عبارتند از :

۱-۳-۲. ایراد به شرایط صوری سند

اسناد تجاری بایستی واجد شرایط شکلی مقرر در قانون تجارت باشند؛ شرایطی که به شکل و ظاهر سند مربوط است. عدم رعایت این شرایط، موجب می‌گردد که سند از تجاری بودن و امتیازات خاص آن از جمله مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان، اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات خارج سازد. (دمرچیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۷) به عنوان مثال چنانچه سند تجاری فاقد امضای صادرکننده باشد با توجه به مواد ۲۲۶، ۳۰۸، ۳۰۹ و ۳۱۱ قانون تجارت، مقررات مربوط به سند تجاری در مورد آن جاری نخواهد بود.

۲-۳-۲. ایراد مربوط به عدم اهلیت و فقدان شرایط اساسی صحت معاملات

همان‌طور که بیان شد صدور سند تجاری یک عمل حقوقی است. اگر این عمل حقوقی را عقد بدانیم؛ چنانچه که عده‌ای از فقهای عامه (سعد بن ترکی، ۱۴۲۵ه.ق، ص ۱۰۹، صص ۱۳۰ و ۱۳۳؛ ستربن ثواب الجعید، ۱۴۰۶ه.ق، ص ۳۰۹؛ عمر بن مترک، ۱۴۱۸ه.ق، ص ۳۹۵) و امامیه (بحرانی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۴۱۹؛ تبریزی، ۱۴۲۷ه.ق، ص ۴۱۰؛ خمینی، ۱۴۲۵ه.ق، ج ۴، ص ۴۵۵؛ خمینی، ۱۴۲۶ه.ق، صص ۶۰۶ و ۶۰۷؛ خویی، ۱۴۱۰ه.ق، ج ۱، ص ۴۱۵؛ روحانی، بی‌تا، ص ۶۶؛ سیستانی، ۱۴۱۷ه.ق، ج ۱، ص ۴۴۳؛ سیستانی، ۱۴۲۲ه.ق، ص ۵۵۹؛ صدر، ۱۴۰۱ه.ق، ص ۱۲۰؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹ه.ق، ج ۲، ص ۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ه.ق، ص ۴۷۷؛ نجفی، ۱۴۲۷ه.ق، ص ۱۴۸؛ وحیدخراسانی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۵۹۸) و هم‌چنین برخی از حقوقدانان (اخلاقی، ۱۳۷۶، ص ۳۷؛ اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۲۷؛ بهرامی، ۱۳۸۲، ص ۴۳ و ۴۴؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۴۵) بر این نظرند، تعهد تجاری زمانی ایجاد می‌گردد که شرایط اساسی صحت معاملات (که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی آمده است) وجود داشته‌باشد. اما در صورتی که عمل حقوقی مذکور را بر مبنای ایقاع (شهیدی، ۱۳۷۳، صص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۳۹؛ کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۰۹) تحلیل کنیم، از آن‌جا که در ایقاعات برخلاف عقود، اصل بر فساد است نه صحت (شهیدی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۳؛ کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۳۱)، کوچکترین تردیدی در صحت ایقاع آن را فاسد می‌کند؛ بنابراین به نظر می‌رسد در صورتی هم که تعهد ناشی از سند تجاری را یک ایقاع بدانیم، وجود شرایط صحت معاملات شرط است وگرنه موجب

فساد آن خواهد شد. بنابراین اگر امضاءکننده واجد اهلیت قانونی (بلوغ، عقل و رشد) برای صدور، ظهنویسی، قبولی و ضمانت نباشد می‌تواند در مقابل دارنده ایراد عدم مسئولیت نموده و به بطلان تعهد خود استناد نماید، یا اگر فاقد قصد و رضا بوده، مثلاً به اجبار سفته یا براتی را صادر، ظهنویسی یا ضمانت نموده‌است و یا جهت انجام معامله مشروع و قانونی نبوده، مثلاً در مقام پرداخت دین مربوط به قمار یا ربا یا هر معامله‌ی ممنوع دیگری اقدام به صدور سند نموده باشد، می‌تواند در مقابل دارنده طرح ایراد نماید.

۳-۲. قابلیت استناد به ایرادات در مقابل ید مستقیم

عقل سلیم حکم می‌کند که در روابط شخصی میان متعهد سند تجاری و دارنده مستقیم آن، اصل عدم توجه به ایرادات کنار گذاشته شود. امنیتی که حقوق برواتی برای سند تجاری برقرار کرده‌است، با قبول این فکر به خطر نمی‌افتد. (صقری، ۱۳۸۷، ص ۵۱) بنابراین متعهد سند می‌تواند در برابر دارنده مستقیم به تهاتر دین مبنای صدور سند و طلب خود از دارنده استناد کند. نتیجه آنکه اصولاً باید ایرادات ناظر به تهاتر، تبدیل تعهد و سایر اسباب سقوط تعهد مذکور در ماده ۲۶۴ قانون مدنی را نیز که از سوی متعهد سند در برابر دارنده مستقیم راجع به تعهد مبنایی، مطرح می‌گردد قابل استماع باشد. مستند این مدعا ماده ۱۴۲ ق.آ.د.م می‌باشد؛ زیرا به موجب این ماده دعای تهاتر، صلح، فسخ و ... دعوی جداگانه محسوب نمی‌شود که نیاز به اقامه دعوی جداگانه داشته باشد، بلکه دفاع محسوب می‌شود. بنابراین در دعوی مطالبه وجه توسط دارنده مستقیم سند، صادرکننده بر اساس این ماده می‌تواند به سایر اسباب سقوط تعهد که ناظر به رابطه مبنایی میان او و دارنده مستقیم بوده، در برابر وی استناد کند.

اما باید توجه داشت که متعهد، نمی‌تواند در برابر مطلق دارنده، به تهاتر دین ناشی از سند و طلب خود از دارنده متوسل شود و از پرداخت خودداری نماید. این حکم در مورد سایر اسباب سقوط تعهد نیز جاری است. چون سقوط تعهد تجاری، در اسناد تجاری باید همراه با استرداد سند باشد (مستفاد از ماده ۲۶۰) و مادام که استرداد سند رخ نداده باشد، تعهد تجاری ایفاء نشده و در نتیجه تهاتر و دیگر اسباب سقوط تعهد ناشی از سند محقق نخواهد شد؛ چراکه تساوی شروط، به دلیل لزوم استرداد سند، وجود ندارد.

۴-۳-۲. ایراد به سوءنیت دارنده

اصل عدم توجه به ایرادات و سایر حمایت‌های قانونی زمانی اعمال می‌گردد که دارنده سند دارای حسن نیت باشد. دارنده‌ای با حسن نیت است که حین انتقال سند به او، از وضعیت روابط حقوقی میان متعهدان آن که به اعتبار سند و مالکیت آن لطمه وارد می‌سازد، آگاهی نداشته باشد. پس در صورت آگاهی از مخدوش بودن یا عدم وجود رابطه حقوقی واقعی میان امضاءکنندگان، مانند موردی که به دلیل معامله باطلی سفته یا براتی صادر شده و با ظهنویسی در اختیار دارنده آگاه از بطلان معامله قرار گرفته باشد، دارنده نمی‌تواند از متعهد سند مطالبه وجه نماید؛ زیرا احراز سوءنیت وی مبنی بر داراشدن بلاجهت و به زیان متعهد سند قوی به نظر می‌رسد و وی می‌تواند علیه او ایراد کند (الله‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۲۵). اما باید به این نکته مهم توجه داشت که آگاهی از یک ایراد موجب نمی‌گردد که همه ایرادات در برابر دارنده آگاه قابلیت استناد داشته باشد، بلکه صرفاً ایراداتی قابل استناد هستند که دارنده هنگام تحصیل سند از آن‌ها آگاه بوده است. (کاویانی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۵)

۳. آثار

مسئولیت ناشی از صدور سند تجاری، موجب «تعهد به پرداخت» بر ذمه متعهد آن می‌گردد. اما مهم‌تر این است که ضمانت‌اجرای این تکلیف و تعهد مذکور چیست؟ به همین جهت ابتدا تعهد به پرداخت و شرایط اعتبار آن تبیین شده [۳] و سپس ضمانت‌اجرای این تکلیف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تعهد به پرداخت

متعهدان سند تجاری پس از صدور و امضاء آن، مکلف به پرداخت مبلغ، در زمان تعیین شده می‌باشند. با توجه به تعداد صادرکنندگان قابل تصور در هر سند تجاری چگونگی مطالبه یا پرداخت متفاوت خواهد بود که می‌بایست به نحو جداگانه تبیین گردد. هم‌چنین مسئولیت پرداخت متعهد بر دو مبنا قابل تصور است که عبارتند از: پرداخت بر مبنای تعهد تجاری ناشی از سند و پرداخت بر مبنای جنبه مدنی سند تجاری، که این دو مورد را نیز بایستی از هم تفکیک نمود.

۱-۱-۳. پرداخت بر مبنای تعهد تجاری ناشی از سند

به موجب ماده ۲۷۱ ق.م که چنین مقرر داشته: «دین باید به شخص دائن یا به کسی که از طرف او وکالت دارد تأدیه گردد یا به کسی که قانوناً حق قبض دارد»، اصولاً پرداخت دین باید به طلبکار صورت گیرد. وی نیز شخصی است که به هنگام وفای به عهد واجد چنین وصفی باشد.

گیرنده یا طلبکار باید واجد شرایطی باشد که مهم‌ترین آن داشتن اهلیت است وگرنه تأدیه در وجه او معتبر نخواهد بود. بنابراین پرداخت باید به طلبکار یا نماینده یا قائم‌مقامی داده شود که دارای اهلیت باشد و اگر پرداخت به بیگانه‌ای که نماینده یا قائم‌مقام طلبکار نیست داده شود و یا طلبکاری که فاقد اهلیت جهت قبض است، طرف تأدیه قرار گیرد، وفای به عهد صورت نگرفته است. پس باید تأدیه وجه به طلبکار یا نماینده یا قائم‌مقام او صورت گیرد تا آثار قانونی خود را که وفای به عهد است بدنبال داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، صص ۳۴ و ۳۵)

در صدور سند تجاری اهلیت صادرکننده شرط است به طوری که اهلیت یک استثناء بر اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات مبتنی بر روابط مبنایی محسوب می‌شود. بنابراین اگر سند توسط شخص فاقد اهلیتی صادر یا امضاء گردد، شخص مذکور متعهد به پرداخت در برابر دارنده نخواهد بود و ولی یا قیم او می‌تواند در برابر دارنده به عدم اهلیت وی استناد کند. حال سوال این است که اگر سند تجاری در وجه صغیری غیرممیز صادر شود یا اینکه صغیر غیرممیز سند در وجه حامل را قبض کند، آیا قبض سند توسط وی دارای اعتبار است یا خیر؟

به نظر می‌رسد که یکی از شرایط عمومی گیرنده سند یا همان دارنده، اهلیت است؛ چراکه صدور سند تجاری یک عمل حقوقی است و قبض به همراه رضایت به آن توسط گیرنده سند، شرط تحقق عنوان «دارنده» بر وی و در نتیجه استقرار تعهد بر ذمه‌ی متعهد در برابر دارنده است. بنابراین چون شخص محجور فاقد قصد و رضا است، قبض توسط چنین دارنده‌ای به دلیل فقدان اهلیت نامعتبر است و در نتیجه صادرکننده و دیگر متعهدان سند، متعهد در برابر وی نخواهند بود؛ چراکه تعهد مسئولان سند در برابر عنوان «دارنده» می‌باشد، در حالی که اطلاق عنوان دارنده به

محجور در این جا صادق نیست. اما در مورد صغیر ممیز وضع متفاوت است و باید بین دو فرض سازشی و واقعی بودن سند صادرشده تفکیک قائل شد.

در برات، چک یا سفته واقعی، صادرکننده مدیون دارنده می باشد که با صدور سند می خواهد مهلتی را برای پرداخت دین خود بگیرد یا اینکه حداقل موعده پرداخت خود را معین کند، با این قید که در صورت ایفای تعهد ناشی از سند، تعهد اصلی ساقط شود. این اسقاط تعهد زمانی محقق می گردد که متعهدله تعهد اصلی بدان رضایت داشته باشد و آن را قبول کند. بنابراین صدور سند تجاری واقعی چون متضمن تراضی طرفین بر ایفای تعهد مبنایی، در صورت ایفای تعهد تجاری است و از آنجا که بر اساس ماده ۱۲۱۲ ق.م پذیرش چنین تعهدی در زمره اعمال مربوط به اموال و حقوق مالی صغیر قرار می گیرد و چنین اعمالی هم باطل و بلااثر است، قبض وی باطل و بلااثر خواهد بود. با بطلان قبض سند توسط وی، عنوان «دارنده» نیز بر وی صادق نبوده و در نتیجه سند فاقد اعتبار شده و متعهد سند تجاری، تعهدی به پرداخت در قبال وی نخواهد داشت مگر اینکه این عمل حقوقی صغیر با اذن ولی قهری یا قیم همراه باشد که در این صورت سند معتبر و متعهد سند، مکلف به پرداخت خواهد بود.

اما در سند تجاری سازشی چون مبتنی بر تعهد مبنایی نیست و صادرکننده، مدیون دارنده نمی باشد که با ایفای تعهد تجاری تعهد اصلی ساقط شود، بلکه متضمن مطلق تعهد به نفع دارنده است، قبض سند به نوعی «تملک بلاعوض» خواهد بود که مطابق ماده ۱۲۱۲ ق.م این نوع تملک توسط صغیر ممیز نافذ است. بنابراین رضایت در قبض و به عبارتی قبض وی معتبر بوده و عنوان «دارنده» به وی صادق خواهد بود. با اعتبار سند، صادرکننده و دیگر متعهدان، مکلف به پرداخت در قبال دارنده (صغیر ممیز) خواهد بود.

در مورد تعداد صادرکنندگان سند تجاری علی رغم فرض شایع که صادرکننده واحد است، این امکان وجود دارد که چند صادرکننده وجود داشته باشد که باید نوع مسئولیت آن‌ها نیز مشخص گردد.

الف. صادرکننده واحد

در فرضی که صادرکننده سند یکی باشد مسئول اصلی پرداخت وجه نیز یک نفر

خواهد بود. تعهد به پرداخت چه اینکه صادرکننده یکی باشد و یا چند نفر، شرایطی دارد که باعث می‌شود هر نوع پرداخت معتبر نباشد و موجب برائت ذمه متعهد نگردد، که این شرایط تحت عناوین «موضوع پرداخت»، «زمان پرداخت» و «موعد مطالبه» تبیین می‌گردد.

اول. موضوع پرداخت

در تعهدی که ناظر به دادن مبلغی پول رایج است مدیون تنها با پرداخت همان پول و به همان میزان بری می‌شود. این قاعده در اسناد تجاری نیز حاکم است و پرداخت وجه با نوع پولی که در سند معین شده به عمل خواهد آمد، البته لازم نیست که پول مورد تعهد، پول رایج کشور باشد بلکه می‌تواند پول خارجی نیز باشد. (ماده ۲۵۲ ق.ت.ت) (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳؛ ستوده، ۱۳۸۳، ص ۸۰؛ صقری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶)

بنابراین متعهد سند تجاری، مکلف به پرداخت وجه به نوع پولی است که در سند قید شده باشد. اما مقنن در ماده ۲۵۳ قانون تجارت حکمی را راجع به اسناد برواتی وضع نموده است که با وصف تجریدی حاکم بر این اسناد منافات دارد. بر اساس این ماده، در صورتی که دارنده به صادرکننده یا ظهرنویسی که سند را به او انتقال داده است پولی غیر از آن نوع پولی که در سند معین شده است را بدهد و سند در نتیجه عدم تأدیة و اخواست شود، دارنده می‌تواند از صادرکننده یا انتقال‌دهنده به وی، نوع پولی را که داده یا نوع پولی را که در سند معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسؤولین فقط همان نوع پولی را که در سند درج شده است می‌تواند مطالبه کند. این درحالی است که وصف تجریدی بودن اسناد تجاری مقتضی آن است که دارنده سند تنها نسبت به نوع پول مندرج در سند ذی‌حق باشد نه چیز دیگری.

آنچه که در توجیه این حکم به نظر می‌رسد این است که این حکم ریشه در عرف مرسوم بین تجار دارد و مخصوص فرضی است که صادرکننده از دارنده نخستین مبلغی را قرض کرده و برای حفظ ارزش پول و فرار از ربا، سند تجاری به پول دیگر صادر شده است. در این صورت در سررسید قرض می‌تواند ارز نخستین را دریافت کند یا ارز مندرج در سند. (عالی‌پناه، ۹۴-۱۳۹۳، ص ۶۱)

دوم. زمان پرداخت

با توجه به اینکه موعد پرداخت سند چه زمانی است زمان پرداخت نیز مشخص می‌گردد. اگر سند تجاری عندالمطالبه باشد به محض مطالبه وجه از سوی دارنده و اگر هم دارای موعد باشد به محض رسیدن موعد پرداخت و مطالبه وجه، متعهد مکلف به پرداخت وجه خواهد بود.

متعهد سند تجاری می‌تواند تأدیه وجه سند را موکول به تسلیم سند نماید و این امر نیازی به طرح دعوای جداگانه از سوی متعهد ندارد. (ماده ۲۵۰ ق.ت) اما سوال این است که آیا می‌توان زودتر از موعد، وجه را پرداخت یا خیر؟ و اگر پرداخت صورت گیرد موجب برائت ذمه می‌گردد یا خیر؟ در حقوق مدنی در صورتی که طرفین بدان رضایت داشته باشند با اشکالی مواجه نیست، اما در حقوق تجارت پرداخت قبل از موعد امری استثنائی است، اگر چه غیرممکن هم نیست. به موجب ماده ۲۵۶ قانون تجارت، چنین پرداختی در مقابل اشخاص ذی‌حق غیرقابل استناد است و در نتیجه شخصی که وجه را قبل از موعد تأدیه کند، در برابر اشخاصی که نسبت به وجه حقی دارند هم چنان مسئول است. این فرض زمانی محقق می‌گردد که مثلاً سند گم شده یا به سرقت رفته و وجه به شخصی که دارنده واقعی نبوده، پرداخت شده است.

البته این قاعده مطابق قواعد عام است؛ زیرا مطابق این قواعد نیز هرگاه کسی دین را به شخصی که در واقع طلبکار نیست پرداخت کند، موجب برائت ذمه او در مقابل طلبکار واقعی نخواهد بود. منتها ماده ۲۵۶ ق.ت. اماره‌ای را برای دارنده واقعی که سر موعد رجوع کرده ایجاد کرده است. بدین صورت که در پرداخت قبل از موعد، تقلب متعهد را مفروض دانسته و دارنده را از رجوع به قواعد عام اثبات سوءنیت و تقلب معاف کرده است. (اسکینی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸-۱۳۹)

سوم. موعد مطالبه

بر اساس ماده ۲۷۹ ق.ت. دارنده مکلف است که در روز وعده، به خصوص در صورتی که بی‌وعده باشد وجه سند را مطالبه کند؛ زیرا سند به رؤیت و یا عندالمطالبه موعدهش مشخص نخواهد شد مگر اینکه دارنده وجه سند را مطالبه کند. البته مهلت دارنده محدود به همان روز وعده نیست؛ بلکه به موجب ماده ۲۸۰ ق.ت، دارنده ده

روز از تاریخ سررسید جهت ارائه سند به متعهد مهلت دارد. با مطالبه دارنده متعهد سند مکلف به پرداخت می‌گردد، منتها پرداخت وجه در صورتی معتبر خواهد بود که اولاً وجه سند قانوناً نزد پرداخت‌کننده توقیف نشده باشد (ماده ۲۵۸ ق.ت) و ثانیاً وجه به موجب نسخه قبول‌شده (در برات) پرداخت شده باشد. (ماده ۲۶۰ ق.ت)

ب. صادرکنندگان متعدد

مباحث و قواعد طرح‌شده در مورد صادرکننده واحد در مورد صادرکنندگان متعدد نیز اعمال می‌شود. منتها نوع مسئولیت صادرکنندگان متعدد مورد سوال است. به بیان دیگر در فرضی که اشخاص متعددی مثلاً یک سفته را صادر و امضاء کرده باشند، سوال این است که مسئولیت آنها نسبت به پرداخت وجه تا چه میزان است؟ آیا هریک مستقلاً نسبت به تمام مبلغ سند مسئول است و به عبارتی مسئولیت آنها تضامنی است؟ یا اینکه مسئولیت آنها به نسبت تعهد یعنی نسبی و متساوی است؟ در حقوق ایران، در این‌باره دو دیدگاه وجود دارد:

اول. مسئولیت تضامنی

برخی از مؤلفین و اساتید حقوق با متفاوت دانستن رویه محاکم در ایران راجع به نوع مسئولیت صادرکنندگان متعدد، بدون اشاره به مواد و استنادات قانونی، به صراحت مسئولیت امضاءکنندگان متعدد سند تجاری را تضامنی دانسته‌اند؛ و دلیل ایشان هم اصل تضامنی بودن مسئولیت متعهدان سند تجاری است. (ستوده، ۱۳۷۳، ص ۳۵) برخی از ادله‌ای که راجع به این نظر بیان شده است عبارتند از:

۱. اصل مسئولیت تضامنی یکی از اصول مسلم و حاکم بر روابط تجاری در قانون تجارت است و مقنن به طور مکرر در مواد قانونی مانند مواد ۲۴۹، ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون تجارت و در هر جا که لازم دانسته است به این اصل توجه داشته و از آن نام برده است. برخلاف قانون مدنی که نسبت به آن ساکت است و همین امر موجب شده که غالب حقوقدانان در مقایسه بین حقوق مدنی و تجارت در نوع مسئولیت، در موارد مشتبه نیز اصل را در حقوق تجارت مسئولیت تضامنی قرار دهند. (فخاری، ۱۳۷۶، ص ۵۳)

۲. مطابق ماده ۲۴۹ ق.ت، صادرکننده سند تجاری با ظهنویسی که متعهد اصلی سند نیست، حسب صراحت ماده، مسئولیت تضامنی دارند. بنابراین به طریق اولی در جمع بین دو صادرکننده، که عدم پرداخت منتسب به عمل آنان است و متعهدان اصلی سند تجاری محسوب می‌شوند، باید مسئولیت تضامنی باشد.

۳. ماده ۱۴۳ لایحه قانون تجارت مسئولیت مدیرانی را که ورشکستگی شرکت به نحوی از انحاء معلول تخلفات آنان بوده است را تضامنی دانسته است؛ این یعنی قانون‌گذار در حقوق تجارت در موردی که چند نفر نسبت به یک موضوع مسئولیت مشترک دارند، مسئولیت تضامنی را مورد پذیرش قرار داده است.

۴. به موجب ماده ۲۵۱ قانون تجارت، چنانچه چند نفر از مسئولان سند تجاری ورشکست شوند، دارنده سند می‌تواند در هر یک از غرماء یا در تمام غرماء برای وصول طلب خود، داخل شود تا اینکه طلب خود را تماماً وصول نماید. دلیل این حکم چیزی جز مسئولیت تضامنی مسئولان مزبور نیست و لذا در صورتی که مسئولان متعدد، صادرکنندگان متعدد باشند، نیز این حق برای دارنده فراهم خواهد بود؛ یعنی هر یک از مدیران تصفیه صادرکنندگان متعدد، متعهد به پرداخت طلب دارنده (تا میزان سهم گرمایی دارنده) می‌گردند که این جز معنای مسئولیت تضامنی، معنای دیگری ندارد. (مرتضوی، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

۵. برخی از دادگاه‌های عمومی نیز مسئولیت صادرکنندگان متعدد را تضامنی دانسته‌اند. رأی شماره ۱۲۶۰-۱۲۵۹ مورخ ۳/۸/۱۳۷۵ دادگاه عمومی تهران چنین است: «... چک‌های صادره از حساب مشترک متشکی عنهما اصدار یافته و از حیث حقوقی مسئولیت تضامنی در پرداخت وجه چک دارند.» (دمرچیلی، ۱۳۸۷، ص ۶۲۳) این رأی هرچند در مورد چک می‌باشد، اما از آن می‌توان تنقیح مناط کرده و به برات و سفته نیز تعمیم داد.

خلاصه اینکه بر طبق این نظر چون در اسناد تجاری اصل بر تضامنی بودن مسئولیت متعهدان و امضاءکنندگان سند است، در فرضی هم که صادرکنندگان سند تجاری متعدد باشند هرکدام از آنها به طور تضامنی مسئول پرداخت خواهند بود.

دوم. مسئولیت نسبی

عده دیگری از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که مسئولیت صادرکنندگان متعدد نسبی است. البته استدلال‌های ایشان متفاوت است که به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱. برخی از مؤلفان و اساتید حقوق تجارت مسئولیت تضامنی را خلاف اصل دانسته و معتقدند که در مواردی اعمال می‌گردد که مقنن به صراحت به آن اشاره کرده باشد و گرنه همانند قانون مدنی در حقوق تجارت نیز اصل بر نسبی بودن مسئولیت است؛ و چون در این خصوص (تعدد صادرکنندگان) تصریحی بر تضامنی بودن از جانب قانون‌گذار نشده است، به ناچار باید مسئولیت نسبی را پذیرفت. (عالی‌پناه، ۱۳۹۴، ص ۱۶)

۲. هم‌چنین برخی از حقوقدانان با تأکید بر منشأ مسئولیت یعنی سند، معتقدند که در این فرض با تعدد صادرکنندگان سند تجاری، سندهای متعددی صادر نمی‌شود بلکه یک سند صادر شده است و همه دو یا چند امضاء به منزله یک امضاء می‌باشد؛ یعنی مجموع این افراد و امضاهای آن‌ها یک امضاء به شمار می‌رود و لذا اگر نسبت به مسئولیت تضامنی هر یک در سند تصریح نشود، مسئولیت آن‌ها مساوی است؛ چراکه در حقوق ایران، اصل نسبی بودن مسئولیت جمعی است. (فخاری، ۱۳۷۶، ص ۵۳)

۳. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون اصلاحی مصوب ۷۲ صدور چک، در صورت صدور چک به چند امضاء، مسئولیت نسبی حاکم است. (دمرچیلی، ۱۳۸۷، ص ۵۱۸)

۴. طرفداران این نظریه نیز به برخی از آراء دادگاه‌های عمومی استناد کرده‌اند که مسئولیت صادرکنندگان متعدد سفته نسبت به هم را غیر تضامنی دانسته است. (حکم تمیزی مورخ ۲۳/۹/۱۳۲۷ شماره ۱۴۲۸) (دمرچیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹) البته این رأی نمی‌تواند مستند نظریه باشد چون در این حکم مسئولیت صادرکنندگان به هم را مورد بحث قرار می‌دهد که علاوه بر عقلایی بودن آن، بی‌ارتباط با بحث است؛ چراکه موضوع بحث مسئولیت صادرکنندگان در قبال دارنده سند است نه در قبال هم.

در جمع‌بندی این نظرات باید چنین گفت که مسئولیت صادرکنندگان متعدد سند تجاری، نسبی است؛ زیرا همان‌طور که برخی از نویسندگان حقوق تجارت نیز به آن اشاره کرده‌اند، در حقوق ایران اصل بر نسبی بودن مسئولیت جمعی است، مگر در

مواردی که قانون‌گذار به تضامنی بودن مسئولیت تصریح کرده باشد. در قانون تجارت در مورد ظهرنویسان، مقنن به تضامنی بودن مسئولیت آن‌ها تصریح کرده است، اما در مورد صادرکنندگان متعدد تصریحی نشده و قانون تجارت نسبت به این مسئله ساکت است، لذا با سکوت قانون تجارت (قانون خاص) به ناچار باید به قواعد عام مسئولیت در حقوق ایران متوسل شد و بدین جهت در این مورد، بایستی مسئولیت نسبی را پذیرفت. مفاد ماده ۲۴۹ قانون تجارت نیز دلیل بر این مدعاست زیرا این ماده در مقام بیان مسئولیت تضامنی واژه «صادرکننده» را مفرد به کار برده است، در حالی که «ظهرنویس‌ها» را به صورت جمع به کار برده است. این خود دلالت بر این دارد که مسئولیت صادرکنندگان متعدد در کنار هم، مسئولیت صادرکننده واحد می‌باشد نه اینکه مسئولیت هر یک از صادرکنندگان به طور جداگانه مسئولیت صادرکننده واحد باشد.

۳-۱-۲. پرداخت بر مبنای جنبه مدنی سند

چنانچه شرایطی جمع شود که تمامی متعهدهای سند تجاری از باب سند مسئولیتشان مرتفع گردد، اصولاً باید گفت که دارنده باید خود را تسلیم قضا و قدر کرده و خداحافظی از مطالبه وجه را پیشه خود سازد. اما مقنن به موجب ماده ۳۱۹ ق.ت. یک‌بار دیگر در جهت حمایت از سند تجاری به دارنده آن امکان طرح دعوا را بر مبنای استفاده بلاجهت داده است. براساس این ماده چنانچه وجه سند تجاری را نتوان به لحاظ عدم رعایت شرایط شکلی یا ماهوی سند یا شمول مرور زمان مطالبه کرد، دارنده می‌تواند با طرح دعوی علیه شخصی که به ضرر وی استفاده بلاجهت نموده است، مطالبه کند. (اسکینی، ۱۳۹۳، ص ۲۰؛ مرتضوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۴)

۳-۲. ضمانت اجرای نقض تعهد

به طور کلی دو ضمانت اجرا برای نقض تعهد تجاری متصور است: اول الزام متعهد به اجرای تعهد خود و در صورت امتناع، حبس وی. دوم أخذ خسارت، اعم از خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، از متعهد سند تجاری.

۳-۲-۱. الزام

الزام متعهد به دو نحو متصور است: اول اینکه بر اساس ماده ۲۲۱ ق.م. و واخواست

توسط دارنده، دادگاه متعهد را محکوم یا ملزم به پرداخت می‌نماید. (الزام عینی) و دوم اینکه در صورت عدم اجرای مفاد الزام، در صورت احراز شرایط، وی را تا زمان تأدیه وجه سند حبس نماید.

الف. الزام عینی

منظور از الزام عینی، آن است که دادگاه به موجب ماده ۲۲۱ ق.م. با صدور حکم به پرداخت وجه سند متعهد را ملزم به اجرای مفاد تعهد خود می‌کند. چنانچه محکوم‌علیه از اجرای حکم خودداری کرد، از آنجا که محکوم‌به عین معین نیست، اموال متعهد محکوم شده با رعایت مستثنیات دین و مطابق قانون اجرای احکام مدنی و سایر مقررات مربوط، توقیف و از محل آن وجه سند استیفاء می‌گردد. (ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴)

ب. الزام بدنی

سوالی که ممکن است مطرح شود این است که اگر متعهد در سررسید علی‌رغم مطالبه دارنده سند از پرداخت امتناع کرد و متعاقب آن دارنده در مهلت قانونی اعتراض عدم تأدیه کرد و دادگاه نیز به نفع دارنده متعهد را ملزم به پرداخت وجه کرد ولی دوباره از پرداخت امتناع کرد، می‌توان تقاضای حبس متعهد را تا زمان تأدیه وجه از دادگاه خواست یا خیر؟

جهت پاسخ به سوال باید به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ رجوع کرد. قانون‌گذار در ماده ۳ قانون مزبور به محکوم‌له این حق را داده است که در فرض مذکور با توجه به این که استیفاء محکوم‌به از طرق مذکور در مواد ۱ و ۲ امکان پذیر نیست، تقاضای حبس وی را کند. دادگاه نیز این تقاضا را می‌پذیرد مگر در موارد زیر که حکم به حبس داده نمی‌شود و اگر هم متعهد در حبس باشد آزاد می‌گردد:

۱. در صورت جلب رضایت محکوم‌له؛ بنابراین اگر متعهد بتواند رضایت دارنده را جلب نماید، حبس نخواهد شد و اگر هم در حبس باشد آزاد می‌گردد. (ماده ۳ قانون مزبور)

۲. در صورت معرفی مالی توسط محکوم علیه حبس شده یا مستحق حبس، یا در صورت کشف مالی از وی با رعایت مستثنیات دین، به نحوی که طبق نظر کارشناس رسمی، مال مزبور تکافوی محکوم به (مبلغ سند و خسارات و هزینه‌های مربوطه) و هزینه‌های اجرای آن را نماید. در این صورت مال مزبور توقیف خواهد شد.

۳. تا سی روز بعد از ابلاغ اجرائیه ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند و دعوای مذکور مسترد و یا به موجب حکم قطعی رد نشود. در صورت اقامه دعوای اعسار بعد از مهلت سی روز، حبس نشدن منوط به یکی از این دو حالت است: یا محکوم له (دارنده) آزادی بدون وثیقه محکوم علیه را بپذیرد یا محکوم علیه کفیل یا وثیقه معتبر معادل محکوم به ارائه دهد، که در این صورت با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل، تا روشن شدن وضعیت اعسار، از حبس محکوم علیه خودداری و یا در صورت حبس بودن، وی آزاد می‌شود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون مزبور) در صورت اثبات اعسار محکوم علیه طبق قاعده «المفلس فی امان الله» تا روز ملائت و امتناع از پرداخت، امکان حبس وی وجود ندارد. اما در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه‌گذار نسبت به تسلیم محکوم علیه ظرف مدت ۲۰ روز ابلاغ می‌گردد. در صورتی که ظرف مدت مذکور محکوم له به هر دلیلی در دادگاه حاضر نشود، استیفاء محکوم به از محل وثیقه یا وجه الکفاله اقدام می‌گردد. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون مزبور)

۲-۲-۳. دریافت خسارت

متعهد سند باید سر موعد وجه سند را با مطالبه دارنده بپردازد و در صورت نقض تعهد مسئول خساراتی است که به دارنده وارد شده است. این خسارات اعم است از مسئولیت ناشی از خسارت تأخیر تأدیه و مسئولیت ناشی از کاهش ارزش پول، که امکان دریافت هریک از جانب دارنده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف. خسارت تأخیر تأدیه

تعهد ناشی از سند تجاری، تعهدی است الزام‌آور و مبنای لزوم آن، به خاطر ارتباطی است که این عمل ارادی با حقوق دیگران پیدا می‌کند؛ چراکه برهم زدن یک جانبه حقی

که به اذن قانون گذار حتی در فرضی که تنها با یک اراده ایجاد شده، به منزله اسقاط خودسرانه حق دیگران است؛ اقدامی که نیاز به ولایت خاص دارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۰، ص ۱۸۸-۱۸۹) به همین دلیل اگر شخصی تعهدی الزام آور در قبال دیگری داشته باشد و آن را انجام ندهد، علاوه بر اینکه هم چنان نسبت به مفاد آن تعهد ملزم است، مسئول خسارتی که در نتیجه تخلف او از انجام تعهد به متعهدله وارد آمده است نیز می باشد. (ماده ۲۲۱ و ۲۲۶ ق.م) به این نوع از مسئولیت در مقایسه با ضمان قهری، «مسئولیت قراردادی» (باریکلو، ۱۳۸۹، ص ۲۴) گفته می شود.

بنابراین چنانچه پس از سررسید دارنده به متعهد سند تجاری رجوع کرد و وجه را مطالبه کرد و او از پرداخت خودداری نمود و در نتیجه این امتناع به دارنده خسارتی وارد شد، مستند به مواد ۲۲۶ ق.م و ۵۱۵ ق.آ.د.م مسئول جبران آن خسارت خواهد بود. منتهی تحقق مسئولیت قراردادی منوط به شرایطی است که باید توسط دارنده اثبات گردد. این شرایط به طور خلاصه عبارتند از: ۱. وجود منشأ تعهد (قرارداد یا ایقاع) ۲. لزوم اعتبار یا صحت منشأ پیدایش تعهد ۳. ضرورت تخلف از انجام تعهد ۴. وجود یا لزوم ورود ضرر ۵. سببیت عرفی بین ضرر وارده و تخلف متعهد. (باریکلو، ۱۳۸۹، صص ۲۵-۳۲) سه شرط اول، در مورد سند تجاری که متعهد آن پس از سررسید و با مطالبه دارنده مبلغ را نپرداخته است، محرز است. چون فرض بر این است که صدور سند تجاری چه اینکه عقد باشد یا ایقاع، معتبر بوده و صحیح محقق شده است و تخلف در انجام تعهد نیز فرض مسئله است. اما دو شرط باقی می ماند که اثبات آن بنا بر اصل عدم حدوث حادث و یا اصل براءت، بر عهده دارنده است؛ یعنی دارنده باید بتواند دو مورد را اثبات کند: ۱. تحقق ضرر و ۲. وجود رابطه سببیت بین تخلف از تعهد و ضرر وارده (مستفاد از مواد ۶۳۹ و ۶۶۶ ق.م)؛ زیرا در صورتی که چنین رابطه ای وجود نداشته باشد، ضرر وارده به متعهد متخلف استناد ندارد و نمی توان او را مسئول جبران چنین خسارتی تلقی نمود. (صفایی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴)

ب. خسارت کاهش ارزش پول

یکی دیگر از خسارت هایی که ممکن است از عدم پرداخت در موعد به دارنده وارد شود، خسارت ناشی از کاهش ارزش پول است. این خسارت با خسارت تأخیر تأدیه

متفاوت است و نباید بین این دو خلط شود. در این نوع از خسارت، برخلاف خسارت تأخیر تأدیه، ورود ضرر و همین‌طور رابطه سببیت محرز است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۳۷) و مدعی خسارت تنها باید مشمول شرایطی باشد که قانون‌گذار در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م. پیش‌بینی کرده است.

بر اساس ماده مذکور، برای تحقق خسارت تأخیر تأدیه تعهدات نقدی چند شرط ضروری است:

(۱) موضوع تعهد، دین و از نوع وجه رایج باشد

رای وحدت رویه‌ی شماره ۹۰-۴/۱۰/۵۳ وجه نقد به کار رفته در ماده ۷۱۹ ق.آ.د.م. سابق را اعم از پول رایج ایران و پول خارجی می‌دانست و لذا مقررات فصل سوم قانون مزبور در باب خسارت تأخیر تأدیه شامل دعاوی که خواسته آن پول خارجی بود را مجرا می‌دانست. اما با تصویب قانون آیین دادرسی مدنی در سال ۷۹، اداره کل حقوقی قوه قضاییه در جواب به سوالی از این اداره پیرامون «وجه رایج» و شمول ارز خارجی در قلمرو ماده ۵۲۲، در نظریه شماره ۱۳۲۸/۷ مورخ ۸/۳/۱۳۸۷ بیان داشت که: «وجه رایج مندرج در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ به معنای پول رایج در داخل کشور است و قابل تسری به پول سایر کشورها و ارزهای خارجی نیست و به تصریح ماده ۵۲۹ همان قانون نیز سایر قوانین و مقررات در مواردی که با این قانون مغایرت داشته باشند، منسوخ می‌باشند. (<http://www.dastour.ir/brows/?lid=335210>): ۱۵/۸/۹۴)

بنابراین با توجه به نظریه مذکور، منظور از «پول رایج» در ماده ۵۲۲ قانون مزبور پول رایج ایران یعنی «ریال» است. پس اگر وجه مندرج در سند به پول خارجی باشد، امکان مطالبه خسارت تأخیر تأدیه ناشی از کاهش ارزش پول برای دارنده وجود ندارد.

(۲) مطالبه دائن

ماده ۷۲۱ ق.آ.د.م. سابق در این باره مقرر می‌داشت: «در صورتی که راجع به خسارت تأخیر تأدیه قراردادی نشده باشد، اگر خواسته به وسیله اظهارنامه مطالبه شود، خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و الا از تاریخ اقامه دعوا محسوب خواهد شد.» اما

مفاد این حکم در قانون ۱۳۷۹ نیامده است و تنها شرط تحقق را مطالبه دائن می‌داند، خواه مطالبه به وسیله اظهارنامه رسمی و اقامه دعوا باشد یا نامه خصوصی و یا حتی به صورت شفاهی. به بیان دیگر آنچه موضوعیت دارد مطالبه دائن است و برای اثبات مطالبه همه دلایل پذیرفته می‌شود.

معمولاً برای اثبات مطالبه اظهارنامه رسمی کافی است، ولی در بعضی موارد قانون‌گذار اظهارنامه را کافی نمی‌شناسد، به عنوان مثال در مورد مطالبه سند تجاری، قانون تجارت اعتراض عدم تأدیه را جانشین اظهارنامه کرده است و خسارت را تنها از این تاریخ قابل مطالبه می‌داند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۴، صص ۲۳۲-۲۳۳) به همین دلیل است که ماده ۳۰۴ ق.ت مقرر می‌دارد: «... خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می‌شود.» اما به لحاظ تحلیلی آنچه به نظر می‌رسد این است که خسارت تأخیر تأدیه در اسناد مؤجل باید از تاریخ سررسید تعلق بگیرد؛ زیرا سررسید در اسناد مؤجل تاریخ مطالبه است و متعهد باید در آن روز وجه سند را بپردازد. به بیان دیگر در اسناد مؤجل اگر متعهد در سررسید بخواهد که وجه را بپردازد، دارنده مکلف به دریافت وجه است در حالی که در سند به رؤیت یا عندالمطالبه چنین تکلیفی وجود ندارد.

۳) تمکن مدیون و امتناع او از پرداخت

بر این اساس اگر متعهد سند تجاری به دلیل اعسار قادر به پرداخت وجه نباشد، دارنده نمی‌تواند از دادگاه خسارت تأخیر تأدیه کاهش ارزش پول را تقاضا کند.

۴) تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه

صرف کاهش ناچیز ارزش پول به متعهدله یا دارنده، حق اخذ خسارت تأخیر تأدیه کاهش ارزش پول را نمی‌دهد، بلکه کاهش ارزش پول باید محسوس و به تعبیر قانون‌گذار فاحش باشد که ضابطه آن هم تابع عرف و رویه قضایی است.

۵) به طریق دیگری تراضی نشده باشد

دارنده سند و به طور کلی متضرر از کاهش ارزش پول در صورتی مستحق دریافت

خسارت است که به نحو دیگری غیر از طریقی که ذکر شد جهت اخذ خسارت با متعهد متخلف تراضی نکرده باشد؛ وگرنه حق اقدام را برمبنای ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نخواهد داشت.

نتیجه گیری

بر اساس پژوهش انجام شده نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. صدور سند تجاری یک عمل حقوقی است. بطلان صدور سند تجاری از جانب صادرکننده فاقد اهلیت (و در نتیجه عدم ایجاد تعهد برای وی) مؤید این مدعا است.
۲. اثر مستقیم صدور سند تجاری، مسئولیت به پرداخت است.
۳. قبض سند تجاری توسط دارنده واجد اهلیت، شرط تحقق مسئولیت متعهد سند تجاری است؛ چراکه قبض گیرنده سند شرط تحقق عنوان «دارنده» بر وی و در نتیجه استقرار تعهد بر ذمه متعهد در برابر دارنده است.
۴. تعهد ناشی از صدور سند تجاری، واجد اوصافی است که سبب امتیاز تعهد تجاری بر تعهد مدنی شده است. از جمله مهمترین این اوصاف می‌توان به وصف «استقلال تعهد تجاری از تعهد مبنایی» و در نتیجه «اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات» اشاره نمود.
۵. مسئولیت صادرکنندگان متعدد سند تجاری نسبی است نه تضامنی؛ زیرا در حقوق ایران، اصل بر نسبی بودن مسئولیت جمعی است مگر به خلاف آن تصریح شده باشد. از طرفی قانون تجارت (قانون خاص) نسبت به این مسئله ساکت است و تصریحی ندارد و بدین جهت در این مورد باید به قواعد عام در حقوق مدنی رجوع کرد.
۶. در صورت نقض تعهد از سوی متعهد سند تجاری، وی ملزم به پرداخت وجه و خسارت ناشی از تأخیر در پرداخت می‌شود که در صورت وجود شرایط مذکور در قانون اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ امکان تقاضای حبس وی نیز تا بازپرداخت بدهی وجود دارد.

یادداشت‌ها

۱. منظور از سند تجاری در این پژوهش، سند تجاری به معنای خاص (برات، سفته و چک است) می‌باشد.
۲. منظور از تعهد تجاری، تعهد ناشی از سند تجاری به معنای خاص می‌باشد که بدان نام «تعهد براتی» نیز اطلاق شده است. (اسکینی، ۱۳۹۳، صص ۸ و ۱۰) وجه تسمیه «تعهد براتی» نیز این است که قواعد حاکم بر چنین تعهدی بر اساس قانون تجارت اصولاً قواعد حاکم بر تعهد ناشی از برات می‌باشد و نیز به همین دلیل است که به سند تجاری به معنای خاص، نام «سند براتی» اطلاق شده است.
۳. از آنجا که احکام راجع به برات مطابق مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ قانون تجارت، به جز در موارد تصریح شده در قانون، در مورد سفته و چک نیز قابل اجراست، بدین جهت در این تحقیق از استناد مکرر به این مواد خودداری شده است.

کتابنامه

الف. فارسی

- اخلاقی، بهروز (۱۳۶۸)، «بחי پیرامون توثیق اسناد تجاری»، مجله دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۴.
- اخلاقی، بهروز (۱۳۷۶)، جزوه درسی حقوق تجارت برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، نیمسال اول تحصیلی.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۸)، حقوق تجارت (برات، سفته، چک و...)، تهران: سمت.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۳)، جزوه تجارت کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، نیمسال اول.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی، تهران: میزان.
- برزش‌آبادی، حمزه (۱۳۹۰)، «جایگاه اصل عدم توجه به ایرادات اسناد تجاری در حقوق ایران با لحاظ کنوانسیون آنستیرال راجع به برات و سفته بین‌المللی»، گفتمان حقوقی، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۲)، حقوق تجارت کاربردی، تهران: انتشارات نگاه بینه - بهنامی.
- خمينی، سيد روح‌الله موسوی (۱۴۲۶ق)، توضیح المسائل، بی‌جا.
- خمينی، سيد روح‌الله موسوی (۱۴۲۵ق)، تحرير الوسيله، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- دمرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی و قرانی، محسن (۱۳۸۷)، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میثاق عدالت.

ستوده، حسن (۱۳۸۲)، حقوق تجارت، تهران: دادگستر، ج ۳.
شهیدی، مهدی (۱۳۷۷)، سقوط تعهدات، تهران: نشر حقوقدان.
صفایی، سید حسین (۱۳۸۷)، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: میزان.
صقری، محمد (۱۳۸۷)، حقوق بازرگانی (اسناد)، تهران: سهامی انتشار.
عالی‌پناه، علیرضا (۹۴-۱۳۹۳)، جزوه حقوق تجارت ۳، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، نیمسال دوم.
فخاری، امیر حسین (۱۳۷۶)، جزوه و تقریرات درس تجارت ۳، دانشگاه شهید بهشتی.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۰)، ایقاع، تهران: یلدا.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: سهامی انتشار، ج ۴.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸)، اموال و مالکیت، تهران: میزان.
کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳)، حقوق مدنی؛ نظریه عمومی تعهدات، تهران: میزان.
کاوینی، کورش (۱۳۹۲)، حقوق اسناد تجاری، تهران: میزان.
الله‌آبادی، کمال (۱۳۷۷)، «اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۱۰ و ۱۱.
مرتضوی، عبدالحمید (۱۳۹۲)، قواعد عمومی اسناد تجاری، تهران: جاودانه
نوری، حسن (۱۳۸۳)، «اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری»، الهیات و حقوق، شماره ۱۳

ب. عربی

بحرانی، محمد (۱۴۲۸ق)، فقه المصارف و النقود، قم: مکتبه فدک.
تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ق)، المسائل المنتخبه (للتبریزی)، قم: دار الصدیقه الشهبده (س)
خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین (للخوئی)، قم: نشر مدینه‌العلم، ج ۱
روحانی قمی، سید صادق حسینی (بی‌تا)، المسائل المستحدثه (للروحانی)، بی‌جا.
سترین ثواب‌الجمعید (۱۴۰۶ق)، أحكام الأوراق التجاریه و النقدیه، رساله ماجیستر، کلیه الشریعه و الدراسات الإسلامیه، عربستان: المملکه العربیه السعودیه.
سعد بن ترکی بن محمد الخنلان (۱۴۲۵ق)، أحكام الأوراق التجاریه فی فقه الإسلامی، المملکه العربیه السعودیه، الناشر: دار ابن الجوزی (للتشر و التوزیع)، الرياض، الطبعة الأولى.
سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۲۲ق)، المسائل المنتخبه (للسیستانی)، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی.
سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ق)، منهاج الصالحین (للسیستانی)، قم: دفتر حضرت آیه الله سیستانی،

ج ۱

صدر، سید محمد باقر (۱۴۰۱ق)، البنك اللاربوی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
عمر بن عبدالعزیز المتمرک (۱۴۱۸ق)، الربا و المعاملات المصرفیه فی نظر الشریعه‌الاسلامیه، الناشر: دارالعاصمه (للتشر و التوزیع)، الرياض - الممکه العربیه السعودیه.

گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی (۱۴۰۹ق)، مجمع المسائل (للگلپایگانی)، قم: دارالقرآن الکریم، ج ۲
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۹ق)، رساله توضیح المسائل (مکارم)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی
طالب^(ع)

نجفی، بشیرحسین (۱۴۲۷ق)، بحوث فقهیه معاصره، نجف: دفتر حضرت آیه الله نجفی.
وحید خراسانی، حسین (۱۴۲۸ق)، توضیح المسائل (وحید)، قم: مدرسه امام باقر^(ع)

ج. اینترنتی

1. <http://www.dastour.ir/brows/?lid=335210> (آخرین مشاهده: ۱۵ / ۸ / ۹۴)

